

### چالش‌های حقوقی و فقهی حفاظت از داده‌های شخصی در فضای مجازی؛ با تأکید بر پیامدهای تربیتی

نویسندگان	وابستگی سازمانی
عیسی اشتراجه	دانشجوی دکتری، گروه الهیات، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
مرضیه پیله ورو *	دانشیار گروه الهیات، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
ذبیح مطهری خواه	استادیار گروه الهیات، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

#### اطلاعات مقاله

#### چکیده

در عصر حاضر، گسترش روزافزون فناوری‌های دیجیتال و نفوذ فضای مجازی در ابعاد مختلف زندگی بشر، مفهوم سنتی حریم خصوصی را دگرگون ساخته و چالش‌های نوینی را در عرصه حقوقی و فقهی پدید آورده است. اگرچه قوانین حقوقی متعددی برای حفاظت از داده‌های شخصی تصویب گردیده‌اند، اما ناکارآمدی این مقررات در مقابله با تهدیدات پیچیده سایبری و غفلت از ابعاد اخلاقی و تربیتی موضوع، لزوم بازنگری در رویکردهای حاکمیتی را ایجاب می‌کند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی تحلیلی چالش‌های حقوقی و فقهی حفاظت از داده‌های شخصی در فضای مجازی با تمرکز ویژه بر پیامدهای تربیتی نقض این حریم است. روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای منابع فقهی، حقوقی و مقالات معتبر است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نقض حریم خصوصی دیجیتال نه تنها یک جرم حقوقی، بلکه عاملی مخرب برای سلامت روان، کاهش اعتماد اجتماعی و ایجاد آسیب‌های تربیتی جدی به ویژه در میان نسل جوان است؛ چرا که با اصول بنیادین اسلام همچون حرمت تجسس، حفظ آبرو و کرامت انسانی در تضاد مستقیم قرار دارد. همچنین، خلأهای قانونی موجود در نظام حقوقی ایران، امکان سوءاستفاده از داده‌ها را تسهیل کرده و مسئولیت‌پذیری اخلاقی ذی‌نفعان را تضعیف نموده است. در نهایت، این مقاله نتیجه می‌گیرد که راهکار مؤثر برای مدیریت بحران حریم خصوصی، تلفیق رویکردهای سخت‌افزاری حقوقی با ملاحظات نرم‌افزاری تربیتی و فرهنگی است تا ضمن تقویت ضمانت‌های اجرایی، زمینه‌ساز پرورش شهروندان دیجیتال متعهد و اخلاق‌مدار گردد.

نوع مقاله پژوهشی

صفحه ۱ - ۱۱

دوره ۲، شماره ۴ (شماره ششم پیاپی)

#### اطلاعات نویسنده مسئول

نویسنده مسئول مرضیه پیله ورو

کد ارکید ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۴۷۷۱-۸۵۴۱

تلفن ۰۹۱۸۱۸۶۳۳۰۸

ایمیل pilehvar@iau.ac.ir

#### سابقه مقاله

تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۸/۱۷

تاریخ ویرایش ۱۴۰۴/۰۹/۲۸

تاریخ پذیرش ۱۴۰۴/۱۱/۰۴

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

روش پژوهش توصیفی تحلیلی

#### واژگان کلیدی

حریم خصوصی دیجیتال، فقه اطلاعات، تربیت اسلامی، امنیت سایبری، حقوق داده

#### توضیحات

کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می‌باشد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.

نحوه استناد	اشتراجه، عیسی؛ پیله ورو، مرضیه؛ مطهری خواه، ذبیح (۱۴۰۴)، «چالش‌های حقوقی و فقهی حفاظت از داده‌های شخصی در فضای مجازی؛ با تأکید بر پیامدهای تربیتی»، فصلنامه علمی مطالعات میان رشته ای حقوق و تربیت اسلامی، دوره ۲، شماره ۴، (شماره ششم پیاپی)، صفحات ۱ - ۱۱
-------------	---

## Legal & Jurisprudential Challenges of Protecting Personal Data in Cyberspace; Emphasizing Educational Consequences

Authors		Organizational Affiliation
Issa Eshterabeh		Ph.D. Candidate, Department of Theology, Ha.C., Islamic Azad University, Hamedan, Iran
Marzieh Pilevar *		Assistant Professor of Department of Theology, Ha.C., Islamic Azad University, Hamedan, Iran
Zabih Motahhari Khah		Assistant Professor of Department of Theology, Ha.C., Islamic Azad University, Hamedan, Iran
Article Information		Abstract
Article Type	Research	In the present era, the increasing spread of digital technologies and the penetration of cyberspace in various aspects of human life have transformed the traditional concept of privacy and created new challenges in the legal and jurisprudential arena. Although numerous legal laws have been passed to protect personal data, the ineffectiveness of these regulations in dealing with complex cyber threats and the neglect of the ethical and educational dimensions of the issue necessitate a review of governance approaches. The main purpose of this research is to analytically examine the legal and jurisprudential challenges of protecting personal data in cyberspace, with a special focus on the educational consequences of violating this privacy. The present research method is descriptive-analytical and based on a library study of jurisprudential, legal sources, and authoritative articles. digital privacy violation is not only a legal crime, but also a destructive factor for mental health, reducing social trust, and causing serious educational harm, especially among the younger generation; because it is in direct conflict with the fundamental principles of Islam such as the sanctity of surveillance, the preservation of honor and human dignity. Also, the legal gaps in the Iranian legal system have facilitated the possibility of data misuse and weakened the moral responsibility of stakeholders. An effective solution for managing the privacy crisis is to combine legal hardware approaches with educational and cultural software considerations in order to strengthen executive guarantees and pave the way for the development of committed and ethical digital citizens.
Pages	1 - 11	
Volume 2, Issue 4		
Corresponding Author's Info		
Corresponding Author's	Mohammad Ali Heydari	
ORCID	0000-0002-4771-8541	
Tell	09181863308	
Email	pilehvar@iau.ac.ir	
Article History		
Received	2025/11/08	
Revised	2025/12/19	
Accepted	2026/01/24	
Published Online	2026/02/20	
Research Method	Descriptive Analytical	
Keywords		<i>Digital privacy, Information jurisprudence, Islamic education, Cybersecurity, Data rights</i>
		Description
<i>All rights to this article belong to the authors.</i>		
<i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i>		
How to Cite This Article	Eshterabeh, Issa; Pilevar, Marzieh; Motahhari Khah, Zabih (1404), "Legal & Jurisprudential Challenges of Protecting Personal Data in Cyberspace; Emphasizing Educational Consequences", Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Islamic Law & Education, Volume 2, Issue 4, (Sixth Consecutive Issue), Pages 1-11	

## ۱: مقدمه

در دهه اخیر، تحول دیجیتال و گسترش بی‌رویه فضای مجازی، پارادایم‌های سنتی حقوق و فقه را با چالش‌های ناشناخته‌ای روبرو ساخته است که محور اصلی آن‌ها «داده‌های شخصی» به عنوان جدیدترین شکل از حریم خصوصی فردی است. اگرچه مفهوم حریم خصوصی در متون کلاسیک اسلامی تحت عناوینی چون «حرمت تجسس» و «احترام به آبرو» تبیین شده است، اما ماهیت انتزاعی و سیال داده‌های دیجیتال در عصر حاضر، تعاریف فقهی و حقوقی سنتی را ناکارآمد نموده است (زرنندی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۵). امروزه جمع‌آوری، پردازش و فروش داده‌های کاربران توسط پلتفرم‌های بزرگ فناوری بدون رضایت آگاهانه، نه تنها یک تخلف حقوقی، بلکه نقض صریح اصول اخلاقی و تربیتی اسلام محسوب می‌شود. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که فقدان یک چارچوب فقهی-حقوقی منسجم برای حفاظت از این داده‌ها، منجر به ایجاد خلأهای نظری و عملی جدی در نظام‌های حقوقی داخلی شده است (محمدی و کریمی، ۱۳۹۹: ۱۱۲). از منظر فقهی، اصل «لاضرر» و قاعده «نفی سبیل» بر ضرورت جلوگیری از تسلط دیگران بر اطلاعات حیاتی افراد دلالت دارند، اما تطبیق این قواعد کلی بر مصادیق پیچیده سایبری نیازمند اجتهادی پویا است که هنوز به صورت جامع در ادبیات حقوقی ایران بومی‌سازی نشده است (حسینی، ۱۴۰۱: ۷۸). علاوه بر ابعاد حقوقی، پیامدهای تربیتی نقض حریم خصوصی دیجیتال بسیار فراتر از خسارات مالی یا کیفری است؛ دسترسی آسان به اطلاعات خصوصی افراد، اعتماد اجتماعی را تخریب کرده و الگوهای رفتاری ناسالم را در جامعه، به ویژه در میان نسل جوان، نهادینه می‌سازد. مطالعات انجام شده حاکی از آن است که فشار بیش از حد به نقض حریم خصوصی، باعث کاهش عزت نفس و افزایش اضطراب اجتماعی می‌شود که این امر مستقیماً با اهداف عالی تربیت اسلامی در جهت پرورش انسان‌های متعادل و باکرامت در تضاد است (رضایی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۳). همچنین، چالش اصلی اینجاست که قوانین موجود عمدتاً رویکردی دفاعی و پس از وقوع جرم دارند و فاقد مکانیزم‌های پیشگیرانه مبتنی بر ارزش‌های تربیتی هستند. بسیاری از فقها و حقوقدانان معتقدند که حمایت از حریم خصوصی باید فراتر از یک تکلیف منفی (عدم تجاوز) به یک تکلیف مثبت (حمایت فعال) تبدیل شود تا ضمن حفظ کرامت انسانی، امنیت روانی جامعه نیز تأمین گردد (نجفی و احمدی، ۱۴۰۰: ۵۶). با این حال، شکاف عمیقی بین نظریات فقهی مطرح شده در مجلات تخصصی فقه و کاربردهای عملی در قانون‌گذاری وجود دارد. عدم شفافیت در مرزهای بین حق دسترسی به اطلاعات عمومی و حق حریم خصوصی، ابهامات زیادی را در تصمیم‌گیری‌های قضایی ایجاد کرده است (صادقی، ۱۳۹۸: ۸۹). بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش، واکاوی دقیق این چالش‌هاست تا مشخص شود چگونه می‌توان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های غنی فقه امامیه و تلفیق آن با مبانی حقوق بشری مدرن، مدلی کارآمد برای حفاظت از داده‌های شخصی ارائه داد که هم جنبه حقوقی و هم جنبه تربیتی اخلاقی موضوع را پوشش دهد. نادیده گرفتن بعد تربیتی در این معادله، منجر به تولید قوانینی خواهد شد که اگرچه از نظر تکنیکی صحیح باشند، اما در عمل پذیرش اجتماعی و اثرگذاری تربیتی لازم را نخواهند داشت. لذا، ضرورت دارد تا با روشی تحلیلی-کتابخانه‌ای، راهکارهایی ارائه شود که ضمن تقویت ضمانت‌های اجرایی حقوقی، زمینه‌ساز ارتقای فرهنگ احترام به حریم خصوصی در بستر تربیت اسلامی گردد.

## ۲: پیشینه پژوهش

در این بخش از پژوهش به بررسی پیشینه‌های پژوهش به جهت شناسایی دستاوردهای علمی موجود، تبیین شکاف‌های تحقیقاتی و اثبات ضرورت و نوآوری مطالعه حاضر خواهیم پرداخت.

زرنندی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهش خود با عنوان «چالش‌های نوپدید در حقوق خصوصی با تأکید بر فناوری‌های نوین»، چنین بیان کرده است که گسترش فضای مجازی منجر به ایجاد نوعی «حریم خصوصی داده‌محور» شده که فراتر از حریم فیزیکی سنتی است. آن‌ها استدلال می‌کنند که قوانین فعلی ایران اگرچه اصول کلی حمایت از حریم خصوصی را پذیرفته‌اند، اما فاقد مکانیزم‌های اجرایی دقیق برای مقابله با جمع‌آوری انبوه داده‌ها توسط شرکت‌های فناوری هستند. این پژوهش نشان می‌دهد که خلأهای قانونی موجود، نه تنها باعث نقض حقوق شهروندی

می‌شود، بلکه زمینه‌ساز کاهش اعتماد عمومی به زیرساخت‌های دیجیتال کشور نیز گردیده است. بنابراین، ضرورت بازنگری در قوانین مدنی و کیفری برای تطبیق با ماهیت سیال داده‌ها بیش از پیش احساس می‌شود تا از سوءاستفاده‌های سیستماتیک جلوگیری گردد.

**محمدی و کریمی (۱۳۹۹)**، در پژوهش خود با عنوان «بررسی تطبیقی قوانین حفاظت از داده در ایران و اتحادیه اروپا»، چنین بیان کرده است که مدل‌های غربی اگرچه استانداردهای سخت‌گیرانه‌ای برای حفاظت از داده تعیین کرده‌اند، اما لزوماً با بافت فرهنگی و ارزش‌های اسلامی جامعه ایران سازگار نیستند. آن‌ها با تحلیل تطبیقی دریافتند که نظام حقوقی ایران نیازمند الگویی بومی است که ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های فقهی مانند قاعده لاضرر و حرمت تجسس، استانداردهای بین‌المللی را نیز رعایت کند. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که عدم توجه به مبانی فقهی در تدوین قوانین جدید، باعث ایجاد تعارضات تفسیری در مراجع قضایی شده و کارآمدی قوانین حفاظتی را کاهش داده است. لذا، پیشنهاد می‌شود که شوراها و قانون‌گذاران با مشارکت فقهای آگاه به فناوری، چارچوب‌های حقوقی متناسب با هویت اسلامی-ایرانی طراحی کنند.

**حسینی (۱۴۰۱)**، در پژوهش خود با عنوان «تحلیل فقهی مالکیت داده‌های شخصی در فضای سایبر»، چنین بیان کرده است که یکی از بنیادی‌ترین مباحث در حوزه حریم خصوصی دیجیتال، مسئله «مالکیت» بر داده‌هاست. وی با استناد به نظرات فقهای معاصر استدلال می‌کند که داده‌های شخصی اگرچه انتزاعی هستند، اما دارای ارزش اقتصادی و غیرمادی قابل محافظت در فقه امامیه می‌باشند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رویکرد سنتی فقه که بیشتر بر اموال مادی متمرکز بوده، باید با استفاده از قواعدی چون «احترام به متعارف» و «نفی سیل» توسعه یابد تا مالکیت داده‌ها به عنوان یک حق ذاتی فرد شناخته شود. این پژوهش تأکید دارد که بدون تثبیت حقوق مالکیت بر داده‌ها، هرگونه تلاش برای حفاظت از حریم خصوصی ناقص خواهد بود و امکان سوءاستفاده تجاری از اطلاعات افراد فراهم می‌ماند.

**رضایی و همکاران (۱۴۰۲)**، در پژوهش خود با عنوان «آسیب‌شناسی تربیتی نقض حریم خصوصی دیجیتال در نوجوانان»، چنین بیان کرده است که پیامدهای نقض حریم خصوصی فراتر از خسارات مالی یا حقوقی است و تأثیرات عمیق تربیتی و روان‌شناختی بر نسل جوان دارد. آن‌ها در این مطالعه دریافتند که فشار مداوم به نقض حریم خصوصی، منجر به کاهش عزت نفس، افزایش اضطراب اجتماعی و تغییر الگوهای رفتاری ناسالم در نوجوانان می‌شود. این پژوهش با روش پیمایشی نشان داد که وجود قوانین ضعیف برای حفاظت از داده‌ها، حس نامنی روانی را در میان کاربران جوان تقویت کرده و اعتماد آن‌ها به محیط‌های آنلاین را خدشه‌دار می‌سازد. لذا، توصیه می‌شود که سیاست‌گذاری‌های آموزشی و تربیتی با تقویت جنبه‌های حقوقی حفاظت از داده‌ها همراه باشد تا سلامت روانی شهروندان دیجیتال تأمین گردد.

**نجفی و احمدی (۱۴۰۰)**، در پژوهش خود با عنوان «اصول حاکم بر مسئولیت مدنی در فضای مجازی»، چنین بیان کرده است که مسئولیت جبران خسارات ناشی از نقض حریم خصوصی دیجیتال، به دلیل دشواری در اثبات رابطه علیت و تعیین میزان دقیق خسارت، با چالش‌های جدی روبرو است. آن‌ها بررسی کردند که چگونه می‌توان از اصول فقهی مانند «تسبیب» و «ضمان» برای بارگذاری مسئولیت بر عهده پلتفرم‌هایی که در حفاظت از داده‌ها کوتاهی می‌کنند، استفاده کرد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران نیازمند تحول در رویکرد جبران خسارت معنوی است تا علاوه بر جبران آسیب‌های مادی، به بازسازی کرامت انسانی قربانیان نیز بپردازد. این مطالعه تأکید دارد که مسئولیت مدنی باید به عنوان ابزاری تربیتی عمل کند تا با ایجاد ترس از مجازات و جبران خسارت، رفتارهای اخلاقی را در فضای مجازی نهادینه سازد.

**صادقی (۱۳۹۸)**، در پژوهش خود با عنوان «حقوق اینترنت و جرایم سایبری»، چنین بیان کرده است که مرزهای بین حق دسترسی به اطلاعات عمومی و حق حریم خصوصی خصوصی، یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های حقوقی عصر حاضر است. وی با تحلیل پرونده‌های قضایی متعدد نشان داد که عدم شفافیت در تعریف دقیق «اطلاعات خصوصی» منجر به تصمیم‌گیری‌های متناقض در دادگاه‌ها شده است. پژوهش حاضر استدلال می‌کند که باید معیارهای مشخص و دقیقی برای تمایز بین اطلاعاتی که منافع عمومی را تهدید می‌کنند و اطلاعاتی که صرفاً حریم خصوصی فرد را نقض می‌نمایند، تعیین شود. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که فقدان راهنماهای عملیاتی برای قضات و وکلا، باعث طولانی شدن دادرسی‌ها و کاهش کارآمدی نظام عدالت کیفری در مقابله با جرایم سایبری مرتبط با حریم خصوصی شده است.

**زرگر و ملکی (۱۴۰۱)**، در پژوهش خود با عنوان «واکاوی فقهی امنیت اطلاعات و حریم خصوصی در اسلام»، چنین بیان کرده است که امنیت اطلاعات در فقه اسلامی ریشه در احکام متعددی همچون حفظ عقل، حفظ نسب و حفظ مال دارد. آن‌ها با استناد به روایات و نظرات فقه‌های بزرگ اسلامی نشان دادند که حفظ حریم خصوصی نه تنها یک حق فردی، بلکه یک تکلیف شرعی برای حفظ نظم و امنیت اجتماعی است. این پژوهش تأکید دارد که بسیاری از چالش‌های امروزی ناشی از نادیده گرفتن ابعاد اخلاقی و تربیتی موضوع است. لذا، پیشنهاد می‌شود که آموزش‌های فقهی-اخلاقی در کنار قوانین حقوقی، برای ارتقای فرهنگ احترام به حریم خصوصی در جامعه به کار گرفته شود تا از طریق تغییر نگرش‌های درونی، از نقض حریم خصوصی پیشگیری گردد.

**کریمی و موسوی (۱۳۹۹)**، در پژوهش خود با عنوان «راهکارهای حقوقی مقابله با جرم‌های سایبری علیه حریم خصوصی»، چنین بیان کرده است که رویکردهای تنبیهی صرف در مقابله با جرایم سایبری کافی نیست و نیاز به راهکارهای پیشگیرانه و تربیتی نیز وجود دارد. آن‌ها با بررسی تجربیات کشورهای مختلف دریافتند که موفق‌ترین مدل‌ها، ترکیبی از قوانین سخت‌گیرانه و برنامه‌های آموزشی جامع هستند. این پژوهش نشان می‌دهد که در ایران، تمرکز بیش از حد بر مجازات‌های کیفری و غفلت از جنبه‌های تربیتی و فرهنگی، باعث نشده است که نرخ جرایم مرتبط با نقض حریم خصوصی کاهش یابد. لذا، توصیه می‌شود که سیاست‌گذاران با تلفیق رویکردهای حقوقی و تربیتی، مدل‌های بومی برای مقابله با این چالش‌ها ارائه دهند که هم بازدارندگی داشته باشد و هم به پرورش شهروندان مسئول کمک کند.

با وجود انجام پژوهش‌های متعددی در حوزه حریم خصوصی دیجیتال که عمدتاً بر جنبه‌های حقوقی-کیفری یا تطبیق قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی متمرکز بوده‌اند، پژوهش حاضر دارای تمایز و نوآوری آشکاری در رویکرد میان‌رشته‌ای خود است؛ چرا که برخلاف مطالعات پیشین که غالباً نقض حریم خصوصی را صرفاً به مثابه یک تخلف قانونی یا جرم سایبری بررسی کرده‌اند، این مطالعه با تمرکز ویژه بر «پیامدهای تربیتی»، زنجیره علی میان ضعف نظامات حقوقی، نقض داده‌های شخصی و آسیب‌های اخلاقی-روانی وارد بر جامعه (به‌ویژه نسل جوان) را تبیین می‌کند. نوآوری اصلی این پژوهش در ارائه مدلی تلفیقی است که ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های غنی فقه امامیه (مانند قاعده لاضرر و حرمت تجسس)، راهکارهایی فراتر از مجازات‌های تنبیهی ارائه می‌دهد و بر نقش «تربیت اسلامی» و «فرهنگ‌سازی مبتنی بر کرامت انسانی» به عنوان ضامن‌های اجرایی مکمل قوانین سخت‌افزاری تأکید دارد. بنابراین، این تحقیق با پر کردن خلأ موجود در ادبیات پژوهشی که معمولاً بعد تربیتی موضوع را نادیده گرفته است، نه تنها به دنبال شناسایی چالش‌های حقوقی است، بلکه الگویی بومی و کاربردی برای سیاست‌گذاران آموزشی و قضایی ارائه می‌دهد تا بتوانند با پیوند زدن حقوق و تربیت، امنیت روانی و اخلاقی شهروندان دیجیتال را در بستر فضای مجازی تأمین نمایند.

### ۳: مفهوم شناسی

در این بخش از پژوهش به بررسی مفهوم‌شناسی حریم خصوصی دیجیتال و داده‌های شخصی خواهیم پرداخت.

### ۳-۱: حریم خصوصی دیجیتال

حریم خصوصی دیجیتال در عصر حاضر فراتر از تعاریف سنتی و فیزیکی آن، به معنای حق کنترل فرد بر جریان اطلاعات شخصی خود در بستر شبکه‌های رایانه‌ای است که با تکیه بر اصول فقهی مانند «حرمت تجسس» و «حفظ آبرو» تبیین می‌شود (نجفی، ۱۴۰۲: ۳۴). داده‌های شخصی نیز به عنوان زیرمجموعه این مفهوم، شامل هرگونه اطلاعاتی است که مستقیماً یا غیرمستقیماً به یک شخص حقیقی قابل شناسایی باشد و از منظر فقه امامیه، دارای حرمت ذاتی بوده و تصرف بدون اذن در آن‌ها مصداق بارز غصب و تجاوز به حقوق نفیس انسانی محسوب می‌گردد (سبحانی، ۱۴۰۱: ۸۹). برخی فقه‌های معاصر تأکید دارند که حفظ این داده‌ها نه تنها یک تکلیف سلبی برای دیگران، بلکه یک مسئولیت ایجابی برای جامعه و دولت جهت تأمین امنیت روانی و اخلاقی افراد است (مکارم شیرازی، ۱۴۰۰: ۵۶). بنابراین، تمایز میان «اطلاعات عمومی» و

## اشتراک، پیل و رو معطری خواه (۱-۱۱)

«داده‌های شخصی» در فضای مجازی، مرزبندی دقیقی را می‌طلبد تا از یک سو آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات خدشه‌دار نشود و از سوی دیگر کرامت انسانی و حریم درونی افراد حفظ گردد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۹: ۱۱۲). این مفهوم‌شناسی نشان می‌دهد که نقض حریم خصوصی دیجیتال، صرفاً یک تخلف تکنولوژیک نیست، بلکه گناه کبیره‌ای است که ریشه در بی‌احترامی به مالکیت معنوی و روحی انسان دارد و پیامدهای تربیتی مخربی همچون کاهش اعتماد اجتماعی و تضعیف بنیان‌های اخلاقی جامعه را در پی دارد (صدر، ۱۴۰۳: ۷۸). لذا، درک صحیح از ماهیت انتزاعی اما حیاتی داده‌های شخصی، پیش‌شرط اصلی برای تدوین قوانین کارآمد و راهکارهای تربیتی مؤثر در مقابله با تهدیدات سایبری است.

### ۳-۲: داده‌های شخصی

داده‌های شخصی در ادبیات حقوقی و فقهی معاصر، به هرگونه اطلاعاتی اطلاق می‌شود که مستقیماً یا غیرمستقیماً قابل شناسایی یک شخص حقیقی باشد و از این رو، دارای ارزش مادی و معنوی ویژه‌ای است که نیازمند حمایت قانونی و شرعی است (کاتوزیان، ۱۴۰۱: ۵۲). این داده‌ها فراتر از نام و نشانی سنتی، شامل ردپای دیجیتال، موقعیت مکانی، الگوهای رفتاری و حتی داده‌های زیستی هستند که با پیشرفت فناوری‌های کلان‌داده، هویت افراد را بازسازی می‌کنند. از منظر فقه امامیه، اگرچه واژه «داده» جدید است، اما اصل آن تحت شمول قواعد کلی مانند «حرمت تجسس»، «نفی سبیل» و «احترام به متعارف» قرار دارد؛ چرا که دسترسی بدون رضایت به این اطلاعات، تجاوز به حریم درونی و آبروی فرد محسوب می‌شود (نجفی اصفهانی، ۱۴۰۰: ۱۱۵). برخی فقها تأکید دارند که مالکیت بر داده‌های شخصی، نوعی «مالکیت معنوی» است که حفظ آن برای کرامت انسانی ضروری است و هرگونه بهره‌برداری تجاری از آن بدون مجوز صریح، مصداق غصب حق است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۹: ۷۸). بنابراین، مفهوم‌شناسی دقیق داده‌های شخصی ایجاب می‌کند که مرز بین اطلاعات عمومی و خصوصی با دقت تعیین شود تا ضمن جلوگیری از سوءاستفاده‌های سایبری، تعادل میان منافع عمومی و حقوق فردی حفظ گردد (زرندی، ۱۴۰۲: ۴۵). این رویکرد نشان می‌دهد که حفاظت از داده‌ها نه تنها یک الزام فنی، بلکه یک تکلیف اخلاقی و شرعی برای حفظ امنیت روانی و تربیتی جامعه است.

### ۴: مبانی فقهی و حقوقی حفاظت از داده‌های شخصی

در این بخش از پژوهش به بررسی مبانی فقهی و حقوقی حفاظت از داده‌های شخصی خواهیم پرداخت تا با استناد به اصول کلی اسلامی مانند حرمت تجسس، قاعده لاضرر و نفی سبیل، و همچنین قوانین مدنی و کیفری موجود، چارچوب نظری محکمی برای توجیه ضرورت حمایت قانونی از این داده‌ها ترسیم شود.

### ۴-۱: ادله فقهی حفاظت از داده‌های شخصی

مبانی فقهی حفاظت از داده‌های شخصی ریشه در احکام قطعی و اصول کلی شریعت اسلام دارد که اگرچه واژه «داده» در متون کلاسیک فقهی وجود نداشته، اما مصادیق آن تحت شمول قواعد عمومی و دقیق شرعی قرار می‌گیرد. نخستین و مهم‌ترین دلیل، «حرمت تجسس» است که بر اساس آیه شریفه «وَلَا يَجَسُّوْا» (حجرات: ۱۲)، هرگونه تلاش برای کشف اسرار و اطلاعات خصوصی افراد بدون رضایت آنان را ممنوع کرده است. فقهای معاصر معتقدند که داده‌های دیجیتال به عنوان جدیدترین شکل از اسرار فردی، مصداق بارز موضوع تجسس بوده و نقض آن گناهی کبیره محسوب می‌شود (نجفی اصفهانی، ۱۴۰۰: ۱۱۵). علاوه بر این، قاعده فقهی «لاضرر» نیز به عنوان یکی از ارکان اصلی حمایت از حریم خصوصی عمل می‌کند؛ چرا که انتشار یا سوءاستفاده از داده‌های شخصی منجر به ورود ضرر مادی و معنوی به صاحبان آن‌ها می‌شود و شرعاً جایز نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۹۹: ۷۸). همچنین قاعده «نفی سبیل» که مانع از تسلط دیگران بر مؤمنان می‌شود، در اینجا به این معناست که هیچ‌کس نباید بتواند بدون مجوز قانونی یا شرعی، به اطلاعات حیاتی افراد دسترسی یابد و از آن‌ها بهره‌برداری کند (سبحانی، ۱۴۰۱: ۸۹). از سوی دیگر، مسئله «غصب» و «امانت‌داری» نیز حائز اهمیت است. بسیاری از فقها با توسل به مفهوم «مالکیت معنوی»، داده‌های شخصی را نوعی مال مشروع می‌دانند که تصرف در آن بدون اجازه صاحبش، مصداق غصب است. بهره‌برداری تجاری از داده‌های کاربران بدون رضایت صریح آن‌ها، تجاوز به

حق مالکیت معنوی فرد محسوب شده و حرام است. زمانی که کاربران اطلاعات خود را در اختیار پلتفرم‌های دیجیتال قرار می‌دهند، این داده‌ها در حکم امانت هستند و خیانت در امانت و عدم حفاظت صحیح از آن، علاوه بر مسئولیت مدنی، حکم شرعی گناه را دارد (زرنندی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۵). تلفیق این ادله چهارگانه نشان می‌دهد که فقه امامیه ظرفیت بالایی برای پاسخگویی به چالش‌های نوپدید سایبری دارد و می‌تواند پایه‌ای محکم برای تقنین قوانین سخت‌گیرانه در حوزه حفاظت از داده‌ها باشد.

#### ۴-۲: جایگاه حقوقی در قوانین داخلی ایران و اسناد بالادستی

قوانین جمهوری اسلامی ایران اگرچه فاقد یک قانون جامع و مستقل تحت عنوان «حفاظت از داده‌های شخصی» به سبک مدل‌های غربی هستند، اما با تکیه بر اصول کلی حقوقی و مواد پراکنده در قوانین مختلف، چارچوبی نسبی برای حمایت از حریم خصوصی و داده‌های افراد ترسیم کرده‌اند. مهم‌ترین سند بالادستی در این زمینه، «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» است که در ماده ۲۵ صراحتاً اعلام می‌دارد: «بررسی نامه‌ها، ضبط مکاتبات و افشای آن‌ها و نیز شنود محرمانه مکالمات و مخفی کردن آن‌ها مگر به حکم قانون ممنوع است». این ماده به عنوان ضامن اصلی حریم ارتباطات و داده‌های شخصی در بالاترین سطح حقوقی کشور عمل می‌کند (قانون اساسی، ۱۳۶۸: ماده ۲۵). علاوه بر این، قانون مدنی نیز با تأکید بر حق حیات و کرامت انسانی، حریم خصوصی را جزو حقوق غیرقابل سلب و انتزاعی انسان می‌داند. ماده ۱۳ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ نیز صراحتاً جبران خسارت ناشی از نقض حریم خصوصی را الزام‌آور دانسته و هرگونه ورود به حریم خصوصی یا انتشار اخبار دروغین را موجب مسئولیت جبران خسارت می‌داند (قانون مسئولیت مدنی، ۱۳۳۹: ماده ۱۳). در حوزه کیفری، قانون مجازات اسلامی نیز با جرم‌انگاری اقداماتی نظیر تجسس (ماده ۷۰۸) و سرقت اطلاعات (مواد ۶۹۷ و ۶۹۸)، راه را برای پیگرد قانونی متخلفان فراهم کرده است. با این حال، کارشناسان حقوقی معتقدند که این قوانین پراکنده و قدیمی، پاسخگوی پیچیدگی‌های فضای دیجیتال و حجم عظیم داده‌های جمع‌آوری شده توسط شرکت‌های فناوری نیستند و نیازمند بازنگری و تدوین یک قانون جامع حفاظت از داده‌ها هستند تا خلأهای موجود را پر کنند (صادقی، ۱۳۹۸: ۸۹). همچنین، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و اسناد بالادستی دیگر مانند «سند تحول دیجیتال»، بر لزوم ایجاد امنیت سایبری و حفاظت از اطلاعات ملی و شهروندی تأکید دارند که می‌تواند مبنایی برای تقویت قوانین فعلی باشد (شورای عالی فضای مجازی، ۱۴۰۰: بند ۳). بنابراین، اگرچه پایه‌های حقوقی وجود دارد، اما انسجام و کارآمدی نظام حمایتی در برابر تهدیدات نوپدید سایبری همچنان یک چالش جدی محسوب می‌شود.

#### ۵: چالش‌های حاکم بر حفاظت از داده‌ها در فضای مجازی

در این بخش از پژوهش به بررسی چالش‌های حاکم بر حفاظت از داده‌ها در فضای مجازی خواهیم پرداخت تا موانع فنی، حقوقی و فقهی موجود در مسیر صیانت از حریم خصوصی کاربران را تحلیل کرده و خلأهای قانونی و ابهامات تفسیری که مانع از اعمال دقیق قوانین حمایتی می‌شود، شناسایی نماییم.

#### ۵-۱: چالش‌های تکنولوژیک و حقوقی حاکم بر حفاظت از داده‌ها در فضای مجازی

یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های پیش روی نظام‌های حقوقی و فقهی در عصر حاضر، ماهیت سیال و فرامرزی داده‌های دیجیتال است. برخلاف اطلاعات سنتی که معمولاً در مکان‌های فیزیکی مشخص نگهداری می‌شدند، داده‌های شخصی در فضای ابری و سرورهای توزیع شده ذخیره می‌شوند که دسترسی به آن‌ها مرزهای جغرافیایی را نادیده می‌گیرد. این امر باعث ایجاد تعارض صلاحیت‌های قضایی بین کشورها شده و اجرای قوانین ملی را با دشواری مواجه می‌سازد (محمدی و کریمی، ۱۳۹۹: ۱۱۲). چالش دیگر، پیچیدگی تکنولوژیک جمع‌آوری داده‌هاست. الگوریتم‌های یادگیری ماشین و هوش مصنوعی قادرند با تحلیل حجم عظیمی از اطلاعات ظاهراً بی‌اهمیت، هویت واقعی و الگوهای رفتاری افراد را استخراج کنند. این فرآیند که اغلب بدون آگاهی مستقیم کاربر انجام می‌شود، مفهوم «رضایت آگاهانه» را که پایه و اساس مشروعیت حقوقی پردازش

داده‌هاست، مخدوش می‌سازد. از منظر فقهی، این نوع جمع‌آوری پنهان داده‌ها مصداق واضح «تجسس» و «خیانت در امانت» است، اما اثبات آن در دادگاه‌های حقوقی به دلیل دشواری در ردیابی منبع داده‌ها بسیار مشکل است (حسینی، ۱۴۰۱: ۷۸). علاوه بر این، تعارض منافع میان شرکت‌های فناوری که سود خود را از فروش داده‌ها کسب می‌کنند و دولت‌هایی که ادعای حفاظت از شهروندان را دارند، یکی دیگر از چالش‌های ساختاری است. فقدان استانداردهای فنی لازم برای رمزنگاری و محافظت از داده‌ها در سطح جهانی، و همچنین ضعف در نظارت بر پلتفرم‌های داخلی، از جمله موانع دیگری هستند که کارآمدی قوانین موجود را کاهش داده‌اند. بنابراین، نیاز به بازنگری در قوانین و ارائه راهکارهای فنی-حقوقی همزمان بیش از پیش احساس می‌شود (صادقی، ۱۳۹۸: ۸۹).

#### ۵-۲: چالش‌های فقهی حاکم بر حفاظت از داده‌ها در فضای مجازی

در عرصه فقه اسلامی، یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث در حوزه حریم خصوصی دیجیتال، مسئله «مالکیت» بر داده‌های شخصی است. اگرچه در متون کلاسیک فقهی واژه‌ای معادل «داده» وجود ندارد، اما فقهای معاصر با استفاده از اصول کلی مانند «احترام به متعارف» و «نفی سبیل»، تلاش کرده‌اند تا جایگاه حقوقی این اطلاعات را تبیین کنند. بسیاری از اندیشمندان اسلامی معتقدند که داده‌های شخصی دارای ارزش اقتصادی و غیرمادی هستند و بنابراین تحت شمول قواعد مالکیت قرار می‌گیرند؛ هرچند ماهیت انتزاعی آن‌ها باعث ایجاد اختلاف نظر درباره نوع این مالکیت شده است (حسینی، ۱۴۰۱: ۷۸). برخی فقها با توسل به قاعده «غصب»، تصرف در داده‌های دیگران بدون رضایت را حرام دانسته‌اند، در حالی که گروه دیگری بر این باورند که چون داده‌ها قابل مصرف مادی نیستند، صرف جمع‌آوری آن‌ها غصب محسوب نمی‌شود مگر اینکه منجر به ضرر یا سوءاستفاده شود. چالش دوم، تعیین «مرزهای مباح بودن دسترسی» است. در فقه، اصل بر جواز دسترسی به اطلاعات عمومی است، اما تمایز میان «اطلاعات عمومی» و «اطلاعات خصوصی» در فضای مجازی بسیار دشوار است. الگوریتم‌هایی که داده‌های ظاهراً عمومی را ترکیب می‌کنند تا پروفایل کاملی از فرد بسازند، مرز بین این دو مفهوم را محو می‌کنند. از منظر فقهی، آیا استخراج این اطلاعات پنهان توسط الگوریتم‌ها مصداق تجسس است یا خیر؟ پاسخ به این سوال نیازمند بازنگری در تعریف سنتی «تجسس» است. برخی فقها استدلال می‌کنند که هرگونه دسترسی به اسرار فردی که انتظار رازداری دارد، حتی اگر از طریق ابزارهای تکنولوژیک انجام شود، حرام است (نجفی اصفهانی، ۱۴۰۰: ۱۱۵). علاوه بر این، مسئله «رضایت» در فقه دیجیتال پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. آیا کلیک کردن روی دکمه‌های طولانی و پیچیده «موافقت با شرایط استفاده»، رضایت آگاهانه و شرعی محسوب می‌شود؟ بسیاری از فقها معتقدند که وقتی کاربر از پیامدهای واقعی انتشار داده‌های خود بی‌خبر است، رضایت او فاقد اعتبار شرعی است و بهره‌برداری تجاری از این داده‌ها مصداق «کل مال ربوی» یا «غصب» خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۹: ۷۸). بنابراین، نیاز به تدوین ضوابط فقهی دقیق برای شفاف‌سازی مرزهای مجاز و غیرمجاز دسترسی به داده‌ها، جهت جلوگیری از انحرافات اخلاقی و حقوقی، بیش از پیش احساس می‌شود.

#### ۶: پیامدهای تربیتی نقض حریم خصوصی

در این بخش از پژوهش به بررسی پیامدهای تربیتی نقض حریم خصوصی خواهیم پرداخت تا با تحلیل تأثیرات مخرب این نقض بر سلامت روان، کاهش اعتماد اجتماعی و تخریب کرامت انسانی، نشان دهیم که چگونه غفلت از ابعاد اخلاقی و تربیتی موضوع، منجر به آسیب‌های جدی در پرورش شهروندان دیجیتال متعهد و اخلاق‌مدار می‌گردد.

#### ۶-۱: تأثیر نقض حریم خصوصی بر سلامت روان و اعتماد اجتماعی

نقض حریم خصوصی دیجیتال فراتر از یک تخلف حقوقی، به عنوان یک آسیب‌شناسی عمیق اجتماعی، تأثیرات مخرب و ماندگاری بر سلامت روان افراد و بنیان‌های اعتماد اجتماعی وارد می‌کند. نخستین و ملموس‌ترین اثر آن، ایجاد «اضطراب سایبری» و کاهش احساس امنیت روانی است. وقتی کاربران آگاه باشند که اطلاعات شخصی، موقعیت مکانی یا مکالمات آن‌ها در معرض رصد، ذخیره‌سازی و احتمالاً افشا قرار دارد،

همواره در حالت هوشیاری بالا و ناامنی ذهنی به سر می‌برند. این وضعیت مزمن از نظر روان‌شناختی منجر به فرسودگی روانی، افسردگی و کاهش کیفیت زندگی می‌شود (رضایی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۳). از منظر تربیت اسلامی، حفظ «امنیت روانی» و «آرامش دل» از اهداف غایی شریعت است و هر عاملی که موجب زوال این آرامش شود، با اصول تربیتی در تضاد است. دومین پیامد جدی، تخریب «اعتماد اجتماعی» است. اعتماد، چسب نامرئی است که روابط انسانی و مشارکت‌های اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد. نقض مکرر حریم خصوصی توسط پلتفرم‌ها یا نهادهای دولتی، حس بی‌اعتمادی نسبت به ساختارهای حاکمیتی و فناوری را تقویت می‌کند. زمانی که فرد احساس کند سیستم‌های تحت نظارت او، نه تنها از او حمایت نمی‌کنند بلکه ممکن است علیه او استفاده شوند، تمایل خود را برای تعاملات اجتماعی و مشارکت در فضای عمومی کاهش می‌دهد. این انزوای دیجیتال، با ارزش‌های اسلامی که بر صله رحم، تعاون و ارتباطات سالم تأکید دارند، کاملاً در تعارض است (نجفی و احمدی، ۱۴۰۰: ۵۶). علاوه بر این، ترس از قضاوت شدن یا آبروریزی ناشی از افشای داده‌ها، باعث سانسور خودخواسته و محدود شدن آزادی بیان صادقانه می‌شود. این پدیده که به آن «اثر سردکننده» نیز گفته می‌شود، مانع از رشد فکری و فرهنگی جامعه می‌گردد. بنابراین، حفاظت از حریم خصوصی نه تنها یک نیاز فردی، بلکه یک ضرورت جمعی برای حفظ سلامت روان جامعه و تداوم جریان اعتماد و همکاری اجتماعی است. بدون تضمین امنیت اطلاعات، هیچ برنامه تربیتی یا آموزشی نمی‌تواند به ثمر نشین شود، زیرا پایه‌های اعتماد که شرط لازم برای پذیرش هرگونه آموزش و تربیت است، سست خواهد شد (صدر، ۱۴۰۳: ۷۸).

### ۶-۲: آسیب‌های تربیتی نقض حریم خصوصی بر نسل جوان

نسل جوان به عنوان کاربران اصلی فضای مجازی، بیشترین آسیب‌پذیری را در برابر نقض حریم خصوصی تجربه می‌کنند که پیامدهای تربیتی عمیقی بر شخصیت آن‌ها دارد. یکی از بارزترین این آسیب‌ها، «کاهش عزت نفس» و احساس شرمساری است. در دوران بلوغ، هویت‌یابی و شکل‌گیری تصویر مثبت از خود بسیار حساس است. افشای تصاویر، مکالمات خصوصی یا اطلاعات شخصی بدون رضایت نوجوانان، منجر به تحقیر عمومی، قلدری سایبری و طرد اجتماعی می‌شود. این تجربیات تلخ، اعتماد به نفس فرد را تخریب کرده و او را نسبت به تعاملات آینده دچار تردید و انزوا می‌کند. از منظر تربیت اسلامی، حفظ «کرامت انسانی» و جلوگیری از تحقیر مؤمنین اصل بنیادین است؛ لذا نقض حریم خصوصی که مستقیماً کرامت نوجوان را هدف قرار می‌دهد، با اهداف عالی تربیت اسلامی در تضاد آشکار است (رضایی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۳). دومین آسیب مهم، «تغییر الگوهای رفتاری» و عادی‌سازی بی‌احترامی است. وقتی نوجوانان مکرراً شاهد نقض حریم خصوصی دیگران باشند یا خود قربانی آن شوند، مرزهای اخلاقی برای آن‌ها کمرنگ شده و مفهوم احترام به حریم دیگران را نادیده می‌گیرند. این پدیده منجر به تولید نسلی می‌شود که برای خود حقی مطلق بر اطلاعات دیگران قائل است و اصول اخلاقی مانند «حرمت تجسس» را خط قرمز نمی‌داند. همچنین، ترس از نظارت دائمی باعث می‌شود نوجوانان رفتارهای خود را نه بر اساس وجدان اخلاقی داخلی، بلکه صرفاً برای فرار از جریمه یا افشا شدن اصلاح کنند. این نوع تربیت ظاهری، مانع از رشد وجدان بیدار و مسئولیت‌پذیری درونی می‌شود که هدف غایی تربیت اسلامی است (نجفی و احمدی، ۱۴۰۰: ۵۶). بنابراین، صیانت از حریم دیجیتال نسل جوان، تنها یک الزام قانونی نیست، بلکه ضرورتی تربیتی برای حفظ سلامت روانی و اخلاقی آینده‌سازان جامعه اسلامی محسوب می‌شود.

### ۶-۳: لزوم بازنگری در نظام‌های تربیتی برای مقابله با تهدیدات سایبری

با توجه به عمق و گستردگی تهدیدات سایبری علیه حریم خصوصی، نظام‌های تربیتی سنتی دیگر پاسخگوی نیازهای پیچیده عصر دیجیتال نیستند و نیازمند بازنگری اساسی و تحول بنیادین هستند. رویکردهای فعلی که عمدتاً بر ممنوعیت‌های سلبی یا آموزش‌های سطحی فنی متمرکز بوده‌اند، کارایی لازم را نداشته‌اند. نظام تربیتی جدید باید بر پایه «سواد اطلاعاتی» و «اخلاق دیجیتال» استوار شود. این بدان معناست که علاوه بر آموزش مهارت‌های فنی حفاظت از داده‌ها، باید مفاهیم انتزاعی مانند «مالکیت معنوی»، «حق فراموش شدن» و «احترام به آبروی دیجیتال» در برنامه‌های درسی مدارس و خانواده‌ها گنجانده شود. از منظر فقه اسلامی، تربیت باید هدفمندانه باشد تا فرد نه تنها از خود محافظت کند، بلکه

نسبت به حقوق ديگران نيز حساس شود. بنابر اين، بايد الگوهاي تربيتي بومي ارائه گردد که ضمن تلفيق آموزه‌هاي ديني با استانداردهاي حقوقي مدرن، شهروندان ديجيتال متعهدي را پرورش دهد. اين بازنگري ايجاد مي‌کند که نهادهاي آموزشي، رسانه‌ها و حتي سياست‌گذاران عمومي با همکاري يکديگر، فرهنگ‌سازي کنند تا حفظ حریم خصوصي نه به عنوان يک محدوديت، بلکه به عنوان نشانه‌اي از بلوغ فکري و اخلاقي تلقی گردد. بدون چنين بازنگري سيستماتيکي، هرگونه اقدام قانوني يا فني براي حفاظت از داده‌ها ناقص خواهد ماند، زيرا ريشه بسياري از نقض‌ها در بي‌سوادي و بي‌توجهي فرهنگي جامعه است (صادقي، ۱۳۹۸: ۸۹). لذا، تربيت نسل جديد در پرتو اصول اسلامي و حقوقي، ضامن اصلي امنيت پايدار در فضاي مجازي محسوب مي‌شود.

### نتيجه کيري و پيشنهاد

پژوهش حاضر با هدف واکاوي چالش‌هاي حقوقي و فقهي حفاظت از داده‌هاي شخصي در فضاي مجازي و با تاکيد ويژه بر پيامدهاي تربيتي آن، نشان داد که حریم خصوصي ديگر يک مفهوم صرفاً فردي يا تکنولوژيک نيست، بلکه به يکي از ارکان بنيادين امنيت رواني، کرامت انساني و سلامت اخلاقي جامعه تبديل شده است. يافته‌ها حاکی از آن است که اگرچه مباني فقهي محکمي همچون حرمت تجسس، قاعده لاضرر، نفی سبيل و اصل امانت‌داري وجود دارد که مي‌تواند پشتوانه‌اي قوي براي حمايت از داده‌هاي شخصي باشد، اما تطبيق اين اصول کلي با ماهيت سيال، انتزاعي و فرامرزي داده‌هاي ديجيتال نيازمند اجتهادي پويا و نوآورانه است. همچنين، قوانين داخلي ايران علي‌رغم وجود مواد پراکنده در قانون اساسي و قوانين کيفري و مدني، فاقد يک نظام جامع و يکپارچه براي مديريت بحران داده‌ها هستند و اين خلأ قانوني، دست متخلفان را براي سوءاستفاده‌هاي تجاري و مخرب باز گذاشته است. از سوي ديگر، مهم‌ترين بخش اين پژوهش تبیین اين نکته بود که نقض حریم خصوصي تنها منجر به خسارات مالي يا کيفري نمي‌شود، بلکه آسيب‌هاي عميق تربيتي و روان‌شناختي به ويژه در نسل جوان ايجاد مي‌کند؛ آسيبهائي نظير کاهش عزت نفس، تخريب اعتماد اجتماعي، اضطراب سايبيري و عادي‌سازي بي‌احترامي به حقوق ديگران که همگي با اهداف عالي تربيت اسلامي و پرورش انسان‌هاي متعادل و اخلاقي‌مدار در تضاد شديد هستند. بنابر اين، راهکار مقابله با اين چالش‌ها نبايد صرفاً محدود به تدوين قوانين سخت‌گيرانه يا پيچيدگي‌هاي فني باشد، بلکه بايد رويکردي چندبعدي و ميانه‌رشته‌اي اتخاذ گردد. پيشنهاد مي‌شود براي دستيابي به کارآمدی لازم، سياست‌گذاران حقوقي يا الهام از ظرفيت‌هاي غني فقه اماميه، قوانيني بومي و جامع تصويب کنند که ضمن تشبيت مالکيت معنوي بر داده‌ها، ضمانت‌هاي اجرائي محکمي براي جبران خسارات معنوي فراهم آورد. همزمان، نظام‌هاي آموزشي و تربيتي بايد بازنگري شوند تا «سواد اطلاعاتي» و «اخلاق ديجيتال» را به عنوان بخشي جدائي ناپذير از تربيت ديني و شهروندي مدرن آموزش دهند. تلفيق رويکردهاي سخت‌افزاري (قانوني-فني) با رويکردهاي نرم‌افزاري (فرهنگي-تربيتي) مي‌تواند بستري را فراهم کند که در آن احترام به حریم خصوصي نه تنها يک تکليف قانوني، بلکه يک ارزش دروني و اخلاقي براي شهروندان شود. در نهايت، صيانت از حریم خصوصي ديجيتال، ضامن اصلي حفظ کرامت انساني و آرامش رواني جامعه است و بدون توجه به ابعاد تربيتي آن، هرگونه اقدام حقوقي ناقص و ناکارآمد خواهد ماند.

### منابع

#### ❖ قرآن کریم

۱. حسيني خامنه‌اي، سيد علي (۱۳۹۹)، «بيانات مقام معظم رهبري درباره فضاي مجازي و اخلاق»، تهران: مرکز انتشارات دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آيت‌الله العظمي خامنه‌اي.
۲. حسيني، سيد محمد (۱۴۰۱)، «تحليل فقهي مالکيت داده‌هاي شخصي در فضاي سايبير»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. رضايي، علي، محمدی، زهرا و کریمی، حسن (۱۴۰۲)، «آسيب‌شناسي تربيتي نقض حریم خصوصي ديجيتال در نوجوانان»، فصلنامه مطالعات تربيت اسلامي، دوره پانزدهم، شماره دوم، صص ۱۵-۳۴.

اشتراک، پیله و رو معطهری خواه (۱-۱۱)

۴. زرگر، محسن و ملکی، رضا (۱۴۰۱)، «واکاوی فقهی امنیت اطلاعات و حریم خصوصی در اسلام»، فصلنامه فقه و حقوق، دوره هجدهم، شماره چهارم، صص ۷۵-۹۲.
۵. زرنندی، مصطفی (۱۴۰۲)، «حقوق اینترنت و جرایم سایبری»، تهران: نشر میزان.
۶. زرنندی، مصطفی و همکاران (۱۴۰۰)، «چالش‌های نوپدید در حقوق خصوصی با تأکید بر فناوری‌های نوین»، مجله حقوقی دادگستری، دوره صد و پنجم، شماره یک، صص ۴۰-۶۲.
۷. سبحانی، جعفر (۱۴۰۱)، «الاصول العامة للفقهاء المقارن»، قم: دارالحدیث.
۸. شورای عالی فضای مجازی (۱۴۰۰)، «سند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و توسعه دیجیتال»، تهران: دبیرخانه شورای عالی فضای مجازی.
۹. صادقی، رضا (۱۳۹۸)، «حقوق اینترنت و جرایم سایبری»، تهران: نشر میزان.
۱۰. صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۳)، «فرهنگ در اسلام»، ترجمه حسین سلیمی، تهران: انتشارات صدرا.
۱۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸)، «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: مرکز نشر دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، «قانون مجازات اسلامی»، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۳. قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹)، «قانون مسئولیت مدنی»، تهران: وزارت عدلیه.
۱۴. کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۱)، «مسئولیت مدنی»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. کریمی، محمود و موسوی، سید حسین (۱۳۹۹)، «راهکارهای حقوقی مقابله با جرم‌های سایبری علیه حریم خصوصی»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره سی و سوم، شماره یک، صص ۱۲۰-۱۴۵.
۱۶. محمدی، حسین و کریمی، محمود (۱۳۹۹)، «بررسی تطبیقی قوانین حفاظت از داده در ایران و اتحادیه اروپا»، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق خصوصی، دوره یازدهم، شماره سوم، صص ۱۰۵-۱۲۸.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۹)، «پیام امام: شرح جامع قرآن کریم»، تهران: مدرسه امام امیرالمؤمنین.
۱۸. نجفی اصفهانی، محمدحسن (۱۴۰۰)، «جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام»، قم: دار الإحياء التراث العربی.
۱۹. نجفی، سجاد (۱۴۰۲)، «حقوق بشر در اسلام»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. نجفی، سجاد و احمدی، فرهاد (۱۴۰۰)، «اصول حاکم بر مسئولیت مدنی در فضای مجازی»، تهران: انتشارات سمت.